

Critical Discourse Analysis of Imam Ali (AS) on Imamate with Emphasis on Sunni Resources

Nafiseh Faghihi Moghaddas*

(Received on: 2019-12-25; Accepted on: 2020-05-20)

Abstract

Using content analysis method as well as critical discourse analysis approach based on Norman Fairclough method, this article explains the mindset and outlook of Imam Ali (AS) while analyzing his discourse on Imamate. The discourse of "appointed Imamate", as opposed to the discourse of "elected leadership" which introduces the opinion and consensus of community as the criterion for recognizing the leader, is a discourse that did not develop in the sociological context and, in turn, social thought moved towards the ideology of "choice" in the matter of prophetic caliphate. In defense of the ideology of divine power and leadership, Imam Ali (AS) presented his rational arguments and strategies at different times in order to prove his appointed succession by recording the document of the legitimacy of the genuine Islamic belief in the field of Imamate. Considering that the position of the appointed Imamate and its related discourse are emerging in Shiism, in order to accept the subject trans-religiously, the research is based on Sunni narrations and historical texts. The results indicate that Imam Ali (AS) by using linguistic and ideological structures in criticizing the ruling discourses sought to reproduce the prophetic discourse on guardianship and leadership.

Keywords: Appointed Imamate, Sunnis, Critical Discourse Analysis, Norman Fairclough.

* Assistant Professor, Department of Ahl-al-BaitStudies, University of Isfahan, Isfahan, Iran, n.faghihi@ahl.ui.ac.ir.

تحلیل گفتمان انتقادی حضرت علی (علیه السلام) درباره امامت با تأکید بر منابع اهل سنت

نقیسه فقیهی مقدس*

[تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۰/۰۴؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۲/۳۱]

چکیده

این نوشتار با روش تحلیل محتوا و با استفاده از رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی بر اساس روش نورمن فرکلاف، نوع نگرش و بینش حضرت علی (علیه السلام) را در ضمن تحلیل گفتمان ایشان درباره موضوع امامت تبیین می‌کند. گفتمان «امامت منصوص»، در مقابل گفتمان «رهبری انتخابی» که ملاک تشخیص رهبری را رأی و اجماع امت معرفی می‌کند، گفتمانی است که در بستر جامعه‌شناختی مجال توسعه نیافت و تفکر جامعه به سمت ایدئولوژی «انتخاب» در امر خلافت نبوی به پیش رفت. حضرت علی (علیه السلام) در دفاع از ایدئولوژی قدرت و زعامت الهی، استدلال‌ها و راهبردهای خردمحور خویش را در برهه‌های مختلف مطرح کرد تا با ثبت سند حقانیت باور اصیل اسلامی در حوزه امامت، بر جانشینی منصوص خویش اقامه برهان کند. با توجه به اینکه جایگاه امامت منصوص و گفتمان مربوط به آن در شیعه ظهور دارد، به منظور پذیرش فرامذهبی موضوع، متون روایی و تاریخی اهل سنت محور دریافت اطلاعات لازم برای تحقیق است. نتایج، حاکی از آن است که حضرت علی (علیه السلام) با بهره‌گیری از ساختارهای زبانی و ایدئولوژیکی در انتقاد از گفتمان‌های حاکم، در صدد بازتولید گفتمان نبوی در امر وصایت و ولایت است.

کلیدواژه‌ها: امامت منصوص، اهل سنت، تحلیل گفتمان انتقادی، نورمن فرکلاف.

درآمد

پروردگار متعال در آیات متعددی، نصب و جعل امام را به خود نسبت داده (بقره: ۳۰؛ انعام: ۱۲۴؛ انبیاء: ۷۳؛ ص: ۲۶) و نبی مکرم اسلام نیز در بیانی صریح به کسانی که پذیرش اسلام را منوط به واگذاری امر جانشینی حضرت به خود می‌دانستند پاسخ می‌دهد که امر امامت و جانشینی مختص خدا است و به هر که بخواهد وامی‌گذارد (التیمی البستی، ۱۳۹۵: ۸۹/۱؛ ذهبی، ۱۴۰۷: ۲۸۶/۱) و در مواضع دیگری با بیان‌هایی نظیر «الملک لله یجعله حیث یشاء» (ابن کثیر، ۱۴۱۱: ۱/۳) و «إنما ذلک إلی الله عز و جل یجعله حیث یشاء» (ثعلبی، ۲۰۰۲: ۲۷۶/۵) از نصب الاهی جانشین خود سخن می‌گوید. شیعه به پیروی از تعالیم و راهبردهای وحیانی، امامت را «فضل الاهی» (کاشانی، ۱۳۳۶: ۲۸۱/۱) و «عهدی الاهی» می‌داند که با نص و نصب فرابشری عینیت و مشروعیت می‌یابد (طبری، ۱۴۱۳: ۱۸؛ شعرانی، ۱۳۸۶: ۱۴۶/۱؛ مکارم شیرازی، ۱۳۸۶: ۸۳/۷).

بعد از رحلت نبی مکرم اسلام (علیه السلام) باور به خلافت انتخابی به گفتمان غالب مبدل می‌شود، در حالی که مستندات روایی امامت منصوص در جوامع روایی شیعه و اهل سنت ذکر شده و اندیشمندان اسلامی به آن اذعان کرده‌اند. حضرت علی (علیه السلام) به عنوان وصی و خلیفه برحق نبی مکرم اسلام، در خطابه‌ها و سخنان خود در بستر جامعه‌شناختی به بازیابی هویت اصیل اسلامی در امر خلافت پس از رسول مبادرت می‌کند. ساخت‌های زبانی متون حضرت، دارای مفاهیم ایدئولوژیک است و در کنار کنش بیانی، کنش‌های منظورشناختی و تأثیری نیز دارد و رویکرد نوظهور جامعه اسلامی را به پرسش می‌کشد. مسئله اصلی این نوشتار این است که: حضرت علی (علیه السلام) در برابر تغییر گفتمان اصولی امامت چه موضعی اتخاذ کرد و چگونه از ابزار زبانی و گفتمان در برقراری ارتباط میان باورها و تعامل در موقعیت‌های اجتماعی مختلف بهره برد؟

در بین آثار متعددی که در حوزه امامت نگاشته شده، پیشینه‌ای که مسئله حاضر را محور پژوهش قرار داده باشد یافت نشد.

روش پژوهش

در پژوهش حاضر محور بحث «تحلیل گفتمان انتقادی» است؛ «گفتمان‌شناسی» یا «تحلیل گفتمان» یا «تحلیل کلام» اصطلاحی کلی برای اطلاق به مطالعاتی است که زبان نوشتاری، گفتاری یا نشانه‌ای یا هر گونه پدیده نشانه‌شناختی را تجزیه و تحلیل

می‌کنند. تحلیل گفتمان معمولاً یکی از زیرشاخه‌های علم زبان‌شناسی دانسته می‌شود. موضوع تحلیل گفتمان به صورت رشته‌های منسجمی از تعدادی جمله، گزاره، عبارت، گفتار و مناظره تعریف می‌شود. رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی در صدد بیان این است که زبان چگونه برای ایجاد و حفظ روابط قدرت و ایدئولوژی به کار گرفته می‌شود (Baker & Ellece, 2011: 167).

نورمن فرکلاف از اندیشمندان برجسته رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی است و بر آن است تا با این رویکرد شیوه‌های تحلیل زبانی را بسط دهد. از منظر او، تحلیل گفتمان انتقادی، تحلیل روابط دیالکتیکی بین گفتمان و سایر عناصر فرآیند اجتماعی و همچنین تحلیل روابط درونی گفتمان و به عبارتی تحلیل سیستماتیک متون است. در این میان، ایدئولوژی با وساطت زبان در نهادهای اجتماعی به جریان می‌افتد. در واقع، این رویکرد انتقادی است که نقش کردارهای گفتمانی در مناسبات نابرابر قدرت را آشکار می‌کند (نک: Fairclough, 2010: 2-8).

تحلیل گفتمان انتقادی، در زبان‌شناسی انتقادی ریشه دارد و فراتر از زبان‌شناسی توصیفی که فقط به ساختارها و صورت متن توجه می‌کند، کارکردهای اجتماعی را نیز در نظر می‌گیرد. در این رویکرد سه اصل به عنوان مبنای کار مطرح است:

۱. زبانی که به کار می‌بریم بیانگر دیدگاهی خاص به واقعیت است؛
۲. تنوع در گونه‌های گفتمان به عوامل اجتماعی بستگی دارد و تفاوت‌های اجتماعی به تنوع زبانی می‌انجامد؛
۳. به‌کارگیری زبان بخشی از فرآیند اجتماعی است نه اینکه صرفاً بازتاب فرآیند اجتماعی باشد (نک: سلطانی، ۱۳۸۴: ۵۱).

در تحلیل انتقادی فرکلاف، متن دارای کلتی متشکل از مجموعه عناصر درون‌زبانی و عوامل برون‌زبانی است و این عوامل نه تنها سازنده متن‌اند، بلکه در فرآیند تفسیر متن نیز مؤثرند. در این پژوهش بر مبنای الگوی سه‌سطحی نورمن فرکلاف در تحلیل گفتمان انتقادی می‌کوشیم ساخت‌های ایدئولوژیک و راهبردهای گفتمانی و کاربردشناختی، رابطه گفتمان و ایدئولوژی‌های حاکم و بسترهای فکری و اجتماعی را بررسی کنیم و با کاوش در فرآیند کلام حضرت علی (علیه السلام)، زمینه‌های دینی، سیاسی و اجتماعی سخن و نحوه تولید آن و بازجست تعامل خواننده متن با کلام را تحلیل کنیم. تحلیل گفتمان انتقادی در کلام حضرت علی (علیه السلام) در سه سطح توصیفی، تفسیری و

تبیینی بازکاوی می‌شود؛ در سطح توصیفی متن در چارچوب بافت متن و ربط منطقی بین واژگان و معنا تحلیل می‌شود؛ در سطح تفسیری بافت موقعیتی و بینامتنیت کلام امام با آیات قرآن و سخنان رسول خدا بررسی می‌شود؛ و در سطح تبیین، رابطه بین گفتمان و بافت اجتماعی جامعه و قدرت حاکم ارزیابی می‌گردد. در این مرحله، محقق متن را به عنوان بخشی از روند مبارزه اجتماعی تحلیل می‌کند و ساختار اجتماعی در جریان کنش اجتماعی بازتولید می‌شود.

۱. سطح توصیفی متن

فرکلاف تحلیل توصیفی متن را در لایه واژگانی و ساختار متن می‌داند و این پرسش‌ها را که «کلمات به‌کاررفته در متن چه ارزش‌های معنایی‌ای را می‌رسانند؟» و «چه رابطه معنایی بین کلمات برقرار است؟» در این سطح بررسی می‌کند (Fairclough, 2010: 167). بررسی لایه واژگانی و تحلیل دستوری متن از مهم‌ترین بخش‌های تحلیل گفتمان انتقادی در نظریه فرکلاف، است، چه اینکه گوینده با استفاده از بسامد و تنوع واژگان، گفتمان حاکم بر جامعه را منعکس می‌کند و مراد خویش را بیان می‌دارد. در گفتار منتخب حضرت، نقش واژگان به منزله محور اصلی سخنان، نقشی اساسی در بازنمود ایدئولوژی حاکم بر جامعه دارد. از این‌رو، امام توانسته است این گفتمان را با تبیین دقیق از عباراتی که حاکمیت به آن استناد می‌کند در به‌دست‌گیری قدرت سامان دهد.

۱.۱. بررسی واژگانی «وصی»، «ولی»، «خلیفه»، «وارث»

بهره‌گیری از واژگان متعدد در بیان حقانیت، یکی از عناصر مهم کلام امام علی (علیه السلام) است. تنوع واژگان و بهره‌گیری از واژگان متعدد، نقش مؤثری در افاده مقصود و رهیابی به اهداف کلام دارد. اهمیت واژگان در جایی که جریان فکری و گفتمان رقیب به پرسش کشیده می‌شود بیشتر است و تحلیل عناصر واژگانی در آن نمود بیشتری می‌یابد. تنوع واژگانی حضرت در استدلال به حقانیت امامت ایشان در به‌کارگیری واژه «ولی»، «خلیفه»، «امیرالمؤمنین»، «وصی» و ... مشهود است و حضرت جریان حاکم را با تدبیر واژگانی به پرسش می‌کشد. خوارزمی گستره واژگان به‌کاررفته در کلام امام را متعدد می‌داند و واژه‌ها و تعبیری همچون «وصایت»، «امیرالمؤمنین»، «عروة الوثقی»، «کهف الحصین»، «حبل الله»، «مختار نبی» و «صاحب الآيات» را برمی‌شمرد (خوارزمی،

۱۴۱۱: ۱۹۶/۱). همچنین، هیشمی گفتار حضرت علی علیه السلام را در به‌کارگیری واژه «ولی» و «وارث» نبی نقل کرده است (هیشمی، ۱۴۱۲: ۱۸۳/۹). واژه دیگری که در بیان حضرت به کار رفته، «خلیفه» است که بنا بر نحوه کاربست این واژه در متن، دلالت روشن و صریحی بر جانشینی بلافصل حضرت علی علیه السلام پس از رسول اکرم دارد. حضرت علی علیه السلام در روایتی که طبرانی با رجال صحیح در الاوسط نقل کرده از واژه «خلیفه» برای بیان نصب الاهی خویش پس از رسول خدا بهره گرفته است (همان: ۱۴۱/۹). نیز امام متقین، بیان رسول خاتم در غدیر خم را نقل، و تعبیر «ولی المؤمنین» را درباره جایگاه و منزلت خویش بیان کرده است. ابن‌کثیر روایت را دارای سند جید ذکر کرده و به تعدد نقل آن اشاره کرده است (نک: ابن‌کثیر، ۱۴۱۱: ۲۱۰/۵).

۱. ۲. استمرار در حق‌طلبی

حضرت علی علیه السلام بر اساس تکلیف قرآنی، همت والای خویش را در موعظه و حکمت و جدال احسن مبذول (نحل: ۱۲۵) داشت و مسیر صحیح دین در رهبری و جانشینی پیامبر اسلام را تبیین کرد تا ایمان مهتدین به اکمال دین مستحکم شود و حجت بر کوتاه‌اندیشانی که بذر نفاق و تفرقه را در جامعه اسلامی افکندند تمام شود. شریف رضی بیان حضرت مبنی بر استمرار حق‌طلبی را چنین ذکر می‌کند: «لَنَا حَقٌّ فَإِنْ أُعْطِينَاهُ وَإِلَّا رَكَبْنَا أَعْجَازَ الْأَيْلِ وَإِنْ طَالَ السُّرَى؛ و درود خدا بر او، فرمود: ما را حقی است اگر به ما داده شود، وگرنه بر پشت شتران سوار شویم و برای گرفتن آن برانیم، هرچند شب‌روی به طول انجامد» (شریف‌الرضی، ۱۴۱۴: ۴۷۲).

نقل احمد بن حنبل نیز گویای استمرار حضرت در رسالت حق‌طلبی است: «همانا علی در زمان حیات رسول اکرم همواره می‌گفت من ولی منصوب از طرف پیغمبر اکرم هستم، پسرعموی او هستم و وارث او هستم، و شایسته‌تر از من برای خلافت پیغمبر اکرم چه کسی است؟» (ابن‌حنبل، ۱۴۰۳: ۶۵۲/۲، ح ۱۱۱۰). همچنین، حضرت در راه احقاق حق خویش، افزون بر بصیرت‌بخشی، همسر، فرزندان و یاران اندک‌شمار خود را به نصرت و معاونت می‌طلبید (ابن‌ابی‌الحدید، ۱۴۰۴: ۱۴/۱۱).

۱. ۳. تصریح به غصب خلافت

تصریح به غصب خلافت، بحث محوری در گفتمان حضرت است که نمود

رفتاری‌اش در بیعت نکردن با خلفا تجلی یافت (ابن حمدون، ۱۹۹۶: ۲۳۰/۵؛ بلاذری، ۱۴۱۷: ۶۶/۳) و رهیافت نظری‌اش در گفتار حضرت، که بسامدش در منابع اسلامی موجود است، یافت می‌شود (مفید، ۱۴۱۳: ۱۲۳). حکومت وقت در کلام امام علی (علیه السلام) به عنوان منبع خطا و انحراف معرفی می‌شود (هاشمی خویی، ۱۴۰۰: ۱۳۲/۹) که مستبدانه به تصرف حاکمیت مبادرت کرده است. صحیح بخاری این مسئله را نقل می‌کند که حضرت علی (علیه السلام) به ابوبکر فرمود: «وَلَكِنَّكَ اسْتَبَدَدْتَ عَلَيْنَا بِالْأَمْرِ»؛ «ای ابوبکر! تو در حق ما استبداد کردی» (بخاری، ۱۴۰۷: ۱۵۲۹/۴، ح ۳۹۹۸). همچنین، ابن قتیبه دینوری نقل می‌کند که حضرت علی (علیه السلام) فرمود: «أَنَا أَحَقُّ بِهَذَا الْأَمْرِ مِنْكُمْ، لَا أَبِيعُكُمْ وَ أَنْتُمْ أَوْلَى بِالْبَيْعَةِ لِي ... وَ تَأْخِذُونَهُ مِنْ أَهْلِ الْبَيْتِ غَضَبًا»؛ «من در امر خلافت سزاوارتر از شما هستم، و با شما بیعت نمی‌کنم، در حالی که شما سزاوارترید که با من بیعت کنید؛ و خلافت را از ما اهل بیت غصب کردید» (ابن قتیبه دینوری، ۱۳۸۷: ۱۸/۱). تعبیر به «غصبا» و «استبداد» تصریح امام به غصب خلافت را بیان می‌کند، چنانچه در نهج‌البلاغه نیز شکایت امام با تعبیری هم‌مضمون با روایات فوق بیان شده است:

أَمَّا الْاِسْتِبْدَادُ عَلَيْنَا بِهَذَا الْمَقَامِ وَ نَحْنُ الْأَعْلَوْنَ نَسَبًا وَ الْأَشْدُونَ بِالرُّسُولِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ نَوْطًا فَإِنَّهَا كَانَتْ أَثْرَةً شَحَّتْ عَلَيْهَا نُفُوسُ قَوْمٍ؛ اما آن ستم و خودکامگی که در خصوص خلافت بر ما تحمیل شد، در حالی که ما از لحاظ نسب برتر و از نظر پیوند خویشاوندی با رسول خدا استوارتر بودیم و این ستم جز خودخواهی و انحصارطلبی چیز دیگری نبود که گروهی بخیلانه به کرسی خلافت چسبیدند (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۶۲).

۴.۱. ترغیب به تقوا و مهار خود

از دیگر مواضعی که حضرت راجع به آن احتجاج کرده، و امامت منصوص خویش را بیان کرده ماجرای بیعت با خلیفه اول است. بعد از انعقاد سقیفه، سران خلافت به بیعت‌خواهی با مدعی به‌حق جانشینی پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) مبادرت کردند. حضرت ضمن امتناع از بیعت با آنها، رعایت حق جانشینی و انصاف در واگذاری خلافت به اهل آن را ضرورتی می‌داند که برای هر پرواکننده از پروردگار لازم است (نک: جوهری بصری، بی‌تا: ۶۱). نیز حضرت به ابوعبیده جراح، که در مواجهه با امتناع حضرت، به فضایل و شایستگی‌های ایشان اعتراف کرده و از باب وقوع بیعت با ابوبکر، حضرت را به بیعت

ترغیب می‌کند، به تقوای الهی و رعایت امانت الهی امر می‌کند (ابن‌قتیبه الدینوری، ۱۳۸۷: ۱۹/۱). در واقع، حضرت با اشعار به اینکه حجت لازم در تعیین جانشین از سوی پیامبر بر مخاطب تمام شده و ادله یقینی بر حقانیت ایشان استوار است، این تغییر رفتار را خروج از موازین انصاف و عدالت دانسته و به مهار خود و تقوای الهی ترغیب می‌کند.

۱. ۵. نفرین بر انکارکنندگان

یکی از ادله قطعی جانشینی حضرت علی (علیه السلام) بعد از پیغمبر، حدیث غدیر است که بسامد آن در منابع و نصوص اسلامی در خور توجه است. یکی از محورهای گفتمان حضرت، یادآوری و تذکر این رخداد مهم و عکس‌العمل به کنش کتمان برخی از صحابه است؛ چه اینکه برخی از اصحاب این موضوع را کتمان کردند و امام با عباراتی که ناظر به نفرین حضرت است ناراحتی‌شان را ابراز کردند. احمد بن حنبل چنین نقل می‌کند:

قَالَ: أُنشِدُ اللَّهَ رَجُلًا سَمِعَ رَسُولَ اللَّهِ وَ شَهِدَهُ يَوْمَ غَدِيرِ خُمٍّ إِلَّا قَامَ، وَلَا يَقُومُ إِلَّا مَنْ قَدَّ رَأَهُ، فَقَامَ اثْنَا عَشَرَ رَجُلًا، ... فَقَامَ إِلَّا ثَلَاثَةٌ لَمْ يَقُومُوا، فَدَعَا عَلَيْهِمْ، فَأَصَابَتْهُمْ دَعْوَتُهُ؛ امیرالمؤمنین گفت: شما را سوگند می‌دهم هر کسی شاهد بود و شنید کلام پیغمبر را در غدیرخیم، قیام کند. هر کسی که دیده قیام کند. پس دوازده نفر قیام کردند ... همه قیام کردند مگر سه نفر که بلند نشدند و کتمان کردند، و حضرت امیر آنها را نفرین کرد و نفرین حضرت دامن آنها را گرفت (ابن‌حنبل، ۱۴۱۰: ۱۱۹/۱).

بلاذری نفرین حضرت علی (علیه السلام) به کتمان‌کنندگان غدیر را چنین بیان کرده است:

فَقَالَ: اللَّهُمَّ مَنْ كَتَمَ هَذِهِ الشَّهَادَةَ وَ هُوَ يَعْرِفُهَا فَلَا تُخْرِجْهُ مِنَ الدُّنْيَا حَتَّى تَجْعَلَ بِهِ آيَةً يَعْرِفُ بِهَا. قَالَ أَبُو وائِلٍ: فبرص أنس، و عمى البراء، و رجع جرير أعرابيا بعد هجرته؛ پس علی گفت: خدایا هر کس این شهادت را عالماً و عامداً کتمان کند، تا زنده است بیماری به او بده که مردم او را با آن بیماری بشناسند. ابووائل می‌گوید بعد از نفرین علی، انس دچار بیماری برص شد، براء بن عازب نابینا شد و جریر هم عقلش را از دست داد (بلاذری، ۱۴۱۷: ۳۸۶/۲).

در واقع، کلام نفرین حضرت، بیانی دردمندانه از فضای اجتماعی و سیاسی قدرت

حاکم در جامعه اسلامی است و از اوضاع و احوالی حکایت می‌کند که جامعه از بیان حقایق مسلم به دور نگه داشته شده است. این نفرین افزون بر تحقیر جامعه‌ای که با فاصله اندک از رحلت رسول خدا، مَهر فراموشی بر باور و قلب خود زده، از خفقان تحمیلی جریان قدرت نیز حکایت می‌کند.

۱.۶. اقرارخواهی با تکیه بر استفهام

چنانچه بیان شد، دفاع از مسئله امامت و جانشینی منصوص نبی مکرم اسلام (صلی الله علیه و آله) کارویژه محوری حضرت علی (علیه السلام) بوده و ایشان بارها از این حق الهی خویش دفاع کرده و منابع اسلامی به نقل آن مبادرت ورزیده‌اند. از دیگر استدلال‌های حضرت بر حق الهی خویش، اقرارخواهی بر مبنای دلایل متقن در قالب استفهام است. استفهام یکی از ابعاد مهم دستوری متن است که در نظریه فرکلاف به آن توجه می‌شود. غیر از دلالت‌های اولیه استفهام در انگیزه‌سازی و تحریک ذهن مخاطب، دلالت‌های دیگری چون توییح و سرزنش و اقرارخواهی در گفتمان امام علی (علیه السلام) دیده می‌شود. در شورای خلافت، که کبار صحابه به دستور خلیفه دوم و برای تعیین خلیفه سوم حضور داشتند، حضرت علی (علیه السلام) بیعت دیگران با خود مشروط به پذیرش سیره خلفای پیشین را رد می‌کند (ابن حنبل، ۱۴۱۰: ۷۵/۱).

حضرت علی (علیه السلام) خطاب به عثمان، طلحه، زبیر، سعد بن ابی وقاص، و عبدالرحمن بن عوف نکات و استنادهایی را که بیانگر تفضل و استحقاق ایشان در جانشینی پیامبر رحمت است صراحتاً ذکر می‌کند و با استفهام، از حاضران اقرار به صحت استدلال‌ها می‌گیرد. نکته مهم آنکه هیچ یک از این افراد سخنان حضرت علی (علیه السلام) را انکار نکرده‌اند و با بیان «اللهم لا» (به خدا قسم که تو راست می‌گویی) سوگندها و انشادات حضرت را تأیید می‌کردند.

فارغ از صحت اسناد، اعتراف علمای اهل سنت به صحت خبر (تفتازانی، ۱۴۰۱: ۲۹۰/۲) و نقل‌های مختلف در منابع معتبر اهل سنت گواه بر صحت صدور این حدیث است، از جمله ابن مردویه، ابن عساکر، ابن مغازلی و ... به نقل تفصیلی استدلال حضرت بر حقانیت و برتری خویش بر خلفا پرداخته‌اند و بیان قاطع حضرت را در این خصوص ذکر کرده‌اند: «والله لأحاجنهم بخصال لا تستطيع عربهم ولا عجمهم، المعاهد منهم والمشرک أن ینکر منها خصلة واحدة؛ به خدا سوگند با آنان به ادله‌ای که نه عرب و نه عجم و نه

معاهد و نه مشرک نمی‌تواند یکی از این فضیلت‌ها را انکار کند استدلال می‌کنم» (ابن مردویه، ۱۴۲۴: ۱۳۰؛ ابن مغزلی، ۱۴۲۴: ۱۷۰/۱؛ آجری البغدادی، ۱۴۲۰: ۱۲۰۹/۴ و ۱۴۰).
برخی از استدلال‌های استفهامی حضرت در این سند مهم تاریخی به شرح ذیل است:

الف. سبقت در اسلام

یکی دیگر از فضایل مهم و محوری که محور استدلال حضرت قرار می‌گیرد، مسئله سبقت در اسلام است. پیشی گرفتن در قبول دعوت نبوی در محیط جهل و استبداد جاهلی، فضیلتی انکارناپذیر و برتری بی‌بدیل در تعیین اولویت تصدی مقام امامت الاهی است. این مطلب که از مسلمات عقاید شیعی است در منابع اهل سنت نیز به عنوان خبری صحیح‌الاسناد با مضامینی متقارب نظیر: «إن أول من أسلم مع رسول الله علی بن ابی طالب رضی الله عنه» (حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱: ۱۴۷/۳) و «لقد صلیت قبل أن یصلی الناس سبعا» (السخاوی، ۱۴۰۳: ۱۳۵/۳) مطرح شده است. حاکم نیشابوری افزون بر نقل، به صحت حدیث اشاره می‌کند. همچنین، هیشمی با نقل این حدیث می‌نویسد: «رواه أحمد و أبو یعلی باختصار و البزار و الطبرانی فی الأوسط و إسناده حسن»؛ «این روایت را احمد بن حنبل، ابویعلی، بزار و طبرانی نقل کرده‌اند و سندش هم معتبر است (هیشمی، ۱۴۰۷: ۱۰۲/۹).

سیوطی در تاریخ الخلفاء نیز ادعای اجماع درباره پیشگامی حضرت علی (علیه السلام) در اسلام را نقل می‌کند و می‌گوید:

علی، که خداوند از او راضی باشد، یکی از ده نفری است که به بهشت بشارت داده شده است ... او نخستین خلیفه از بنی‌هاشم و پدر دو نوه رسول خدا قبل از همه اسلام آورد؛ بلکه ابن‌عباس، انس، زید بن ارقم، سلمان فارسی و گروهی گفته‌اند علی نخستین مسلمان بوده و برخی اجماع بر این مطلب را نقل کرده‌اند (سیوطی، ۱۳۷۱: ۱۶۶/۱؛ نیز نک.: هیشمی، ۱۴۱۷: ۳۵۱/۲).

حضرت علی (علیه السلام) این فضیلت بی‌نظیر را متذکر شدند و رو به حاضران در شورا پیشتازی خویش در پذیرش دعوت رسول اکرم را بیان فرمودند (ابن حجر عسقلانی، ۱۳۹۰: ۲۷۱/۷).

ب. اشتراک نفس در لیلۃ‌المبیت

از دیگر مباحثی که حضرت به آن استدلال می‌کند خوابیدن ایشان در بستر پیامبر در

شب هجرت از مکه به مدینه به منظور حفظ جان نبی مکرم اسلام مقابل مکر کفار موسوم به «لیلة المیت» است (انفال: ۳۰). حاکم نیشابوری نقل کرده است که مشرکان به گمان اینکه پیامبر در بستر خوابیده است از ابتدای شب تا صبح سنگ‌پرانی می‌کنند و نهایت برای کشتن حضرت آماده می‌شوند. این توطئه با دیدن حضرت علی (علیه السلام) در بستر پیامبر خنثا می‌شود (حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱: ۱۴۳/۳). این حدیث در منابع اهل سنت چنین نقل شده است: «قَبَاتَ عَلِيَّ عَلِيٌّ فِرَاشِ النَّبِيِّ تَلُكُ اللَّيْلَةَ وَ خَرَجَ النَّبِيُّ حَتَّى لَحِقَ بِالْغَارِ» (ابن‌حنبل، ۱۴۲۱: ۳۴۸/۱) و محدثان این ماجرا را حمایتی از جانب پروردگار (ابن‌کثیر، ۱۴۱۱: ۱۸۱/۳) و مایه مباهات الهی به ملائکه (رازی، ۱۴۲۱: ۱۷۴/۵) و موجب تبریک فرشتگان الهی (ابن‌اثیر، ۱۴۱۷: ۱۱۳/۴؛ ثعلبی، ۲۰۰۲: ۱۲۶/۲) دانسته‌اند. حضرت این فضیلت بی‌نظیر را، که تقدم دادن رسول گرامی اسلام بر جان خویش بود (الطحاوی، ۱۴۰۸: ۲۷۳/۱۰)، چنین به وجدان مخاطب گوشزد می‌کند:

أمنكم أحد كان أعظم عناء مني عن رسول الله حتى اضطجعت على فراشه و وقية بنفسي و بذلت له دمي؟ ... أنشدكم بالله أمنكم أحد يشرى نفسه ابتغاء مرضات الله غيري؟؛ آیا در شبی که پیغمبر اکرم از مکه به غار ثور رفتند، غیر از من کسی در بستر پیغمبر اکرم خوابید تا جان خود را فدای رسول‌الله کند؟ ... شما را به خدا سوگند آیا در میان شما غیر از من کسی هست که جانش را در کف بگیرد و فدای پیغمبر اکرم کند؟

۱. ۷. تأکید بر همسان‌نبودن مدعیان خلافت با حضرت

یکی از مؤلفه‌های مهم در بیان حضرت علی (علیه السلام) جلب توجه مخاطب به تفوق حضرت و همسان‌نبودن مدعیان خلافت در فضایل و کمالات حضرت است. نخستین خطابه‌های اعتراضی امام در جمع صحابه رسول خدا، بر اموری مبتنی است که مخاطب را از لحاظ عقلی، به گزینه شایسته‌سالاری متمایل می‌کند؛ حال آنکه استبداد و خفقان حاکم بر نظام قدرت مانع از تبلور منطق و استدلال می‌شود. ابن‌قتیبه دینوری خطابه‌های نخستین حضرت پس از ماجرای سقیفه را چنین گزارش کرده است:

فوالله! يا معشر المهاجرين! لنحن أحق الناس به. لأننا أهل البيت و نحن أحق بهذا الأمر منكم ما كان فينا القارئ لكتاب الله، الفقيه في دين الله، العالم بسنن

رسول الله، المضطلع بأمر الرعية، المدافع عنهم الأمور السيئة، القاسم بينهم بالسوية والله إنه لفينا، فلا تتبعوا الهوى فتضلوا عن سبيل الله، فتتردادوا من الحق بعداً؛ ای گروه مهاجرین! ما اهل بیت شایسته‌ترین افراد به خلافت هستیم، ما اهل بیت هستیم. آن که قرآن را قرائت کند ما هستیم، فقیه در دین ما هستیم، عالم به سنن پیامبر ما هستیم، آگاه به امور ملت ما هستیم، آن که می‌تواند کارهای زشت را از ملت دور کند ما هستیم، کسی که می‌تواند بین مردم عدالت برقرار کند ما هستیم، به خدا سوگند ما قادر بر این اموریم، از هوا و خواهش‌های نفسانی پیروی نکنید که جز بر دوری شما از حق افزوده نمی‌شود (ابن‌قتیبه دینوری، ۱۳۸۷: ۱۹/۱).

از دیگر نمونه‌هایی که حضرت به اثبات حقانیت خویش و خطای فاحش امت در انحراف از مسیر حق پرداختند خطابه‌ای است بعد از خلافت عثمان، یعنی بعد از شورش صحابه بر عثمان و قتل خلیفه (ذهبی، ۱۴۰۷: ۵۰۴/۳). در این خطبه، چشم‌انداز و غایت هدایت و حقیقت متبلور شده و جایگاه امامت با کارویژه ولایت و سرپرستی امت ترسیم شده است. امام علی علیه السلام خطاب به بیعت‌کنندگان یکسان‌نبودن دیگران با خاندان رسول خدا را بیان کرده‌اند:

لَا يِقَاسُ بِالْأَهْلِ مِنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ أَحَدٌ وَلَا يَسْوَى بِهِمْ مَنْ جَرَتْ نِعْمَتُهُمْ عَلَيْهِ أَبَدًا هُمْ أَسَاسُ الدِّينِ وَعَمَادُ الْيَقِينِ إِلَيْهِمْ يَفِيءُ الْعَالِي وَبِهِمْ يَلْحَقُ التَّالِي وَ لَهُمْ خَصَائِصُ حَقِّ الْوِلَايَةِ وَ فِيهِمُ الْوَصِيَّةُ وَالْوَرَاةُ. أَلَا إِنَّ إِذْ رَجَعَ الْحَقُّ إِلَى أَهْلِهِ وَ نُقِلَ إِلَى مُتَقَلِّهِ؛ کسی را با خاندان رسالت عترت پیامبر (ص) نمی‌شود مقایسه کرد، و آنان که پرورده نعمت هدایت اهل بیت پیامبرند با آنان برابر نخواهند بود. عترت پیامبر علیهم السلام اساس دین، و ستون‌های استوار یقین‌اند، شتاب‌کننده باید به آنان باز گردد، و عقب‌مانده باید به آنان پیبوند. ولایت، حق مسلم آل محمد است، و اینها وصی و وارث رسول اکرم صلی الله علیه و آله هستند. و هم‌اکنون با قبول ولایت من، حق به حقدار رسید، و حقیقت به جایگاه اصلی‌اش منتقل گشت (شریف الرضی، ۱۴۱۴: ۴۷).

تعبیری چون «ما بر حقیم»، «ما سزاوارترین مردمیم»، «ما از شما نسبت به امر جانشینی پیامبر شایسته‌تریم»، «کسی با آل محمد علیهم السلام قیاس‌پذیر نیست»، «کسی با اهل بیت پیامبر

برابری نمی‌کند» از جمله عباراتی است که از اتمام حجت با مردم و مرزبندی با جبهه قدرت حکایت می‌کند.

۱. ۸. الزام طرف مقابل به پذیرش اشتباه خود

از دیگر ظرافت‌های کلامی حضرت علی (علیه السلام) استفاده از مقدماتی است که بر اساس دانسته‌های مخاطب، او را به پذیرش اشتباه ملزم می‌کند، از جمله مناشده^۱ حضرت در روز جمل و نیز مناشده رجبه در سال ۳۵ ه.ق. و آغاز خلافت امام. حضرت علی (علیه السلام) در روز جمل به طلحه فرمود: «تو را به خدا سوگند می‌دهم آیا از رسول خدا ﷺ شنیدی که فرمود: من كنت مولاه فعلى مولاه اللهم وال من والاه، و عاد من عاده، واخذل من خذله وانصر من نصره؟ گفت: آری. فرمود: پس چرا با من جنگ می‌کنی؟ گفت فراموش کرده بودم و متذکر نبودم». راوی می‌گوید سپس طلحه بدون اینکه سخن دیگری در جواب حضرت علی (علیه السلام) بگوید مراجعت کرد (ابن‌ملقن، ۱۴۱۱: ۲۰۸۴/۲؛ ابن‌حجر عسقلانی، ۱۴۱۵: ۶۳۹/۱۱).

همچنین، حضرت علی (علیه السلام) در رجبه کوفه کسانی را که در واقعه غدیر حضور داشتند، خواست تا درباره حدیث غدیر شهادت دهند؛ چراکه به نقل عبدالحسین امینی در اثر معارضه و مناظره که در امر خلافت با حضرت علی (علیه السلام) وقوع یافت، برخی از مردم راجع به آنچه آن حضرت از رسول اکرم ﷺ درباره مقدم‌بودن ایشان در امامت و خلافت بر دیگران روایت و نقل کرده بود، آن حضرت را متهم کردند و احادیث نقل‌شده از رسول خدا در این موضوع را با تردید و انکار تلقی کردند (امینی، ۱۳۷۹: ۳۲۸/۲). بسیاری از عالمان شیعه و اهل سنت این ماجرا را در کتب خویش ذکر کرده‌اند. امینی پس از نقل ماجرای روز رجبه در کتاب *الغدیر* آن را متواتر می‌شمرد (همان). عبدالرحمن بن ابی لیلی می‌گوید:

علی (علیه السلام) را در میدان شهر دیدم که از مردم می‌خواست هر کسی در غدیر خم از رسول خدا ﷺ این حدیث را شنیده است گواهی دهد، و می‌فرمود: «شما را به خدا قسم اگر در غدیر خم شنیده‌اید که رسول خدا ﷺ فرمود: هر کس من مولا و رهبر او هستم، علی پس از من رهبر او است، به پا خیزد و شهادت دهد». دوازده نفر از آنان که در بدر حضور داشتند، حرکت کردند و گفتند ما شهادت می‌دهیم که در روز غدیر پیامبر خدا ﷺ فرمود: «ای مردم! آیا من بر جان شما مؤمنان ولایت ندارم و همسرانم مادران شما نیستند؟». گفتیم: «آری، این چنین است ای رسول خدا». آن حضرت فرمود: «پس هر کس که من مولای

او هستم، علی نیز مولای او است. خداوندا! دوست بدار آن که او را دوست بدارد و دشمن بدار آن که او را دشمن بدارد» (ابن‌حنبل، ۱۴۲۱: ۱۱۹/۱).
 راوی می‌گوید سه نفر از حاضران در غدیر خم در مجلس علی علیه السلام حاضر به شهادت نشدند. علی علیه السلام در حق آنان نفرین کرد که هر سه نفر به نفرین آن حضرت گرفتار شدند (ابن‌حنبل، ۱۴۱۰: ۱۱۹/۱). محمد ناصرالدین البانی، از علمای وهابی معاصر، بعد از نقل روایت می‌گوید: «می‌گویم سند روایت بر اساس شرط بخاری صحیح است» (البانی، ۱۴۱۶: ۴۱۹/۳).

۹.۱. برانگیختن نیروی خرد

حضرت علی علیه السلام در اثبات امامت منصوص خود، مخاطب را به خردورزی و اندیشه سوق می‌دهد. وقتی خبر ماجرای سقیفه به امام رسید، پرسید: «انصار چه گفتند؟». پاسخ دادند که انصار گفتند: «زاماداری از ما و رهبری از شما مهاجرین انتخاب گردد». پس امام فرمود: «چرا با آنها به این سخن رسول خدا استدلال نکردید که حضرت درباره انصار سفارش فرمود با نیکان آنها به نیکی رفتار کنید و از بدکاران آنها درگذرید؟». پرسیدند: «چگونه این حدیث، انصار را از زمامداری دور می‌کند؟». پاسخ داد: «اگر زمامداری و حکومت در آنان بود سفارش کردن درباره آنها معنایی نداشت» (ابن‌ابی‌الحدید، ۱۴۰۴: ۴/۶).

۲. سطح تفسیری

تحلیلگر در سطح تفسیری به تفسیر روابط بین متن و فرایندهای گفتمانی تولیدی و تفسیری می‌پردازد. در جریان اجتماعی سیاسی پس از رسول خدا صلی الله علیه و آله، موضوع محوری جانشینی حضرت و تأکیدات مستمر ایشان در این خصوص ظاهراً به موضوعی فراموش شده تبدیل شده است، حال آنکه امام با راهبردهای گفتمانی خویش زمینه‌های اصلی حاکمیت فتنه و انحراف جامعه را نشان گرفته و حضور اثربخش مردم در احقاق حق خویش را مطالبه می‌کند؛ به عبارتی، امام می‌کوشد شالوده فضای اجتماعی و سیاسی جامعه را بر پایه ساختارهای فنی بیان کند. در سطح تفسیری گفتمان امام علی علیه السلام، بینامتنیت نقش ویژه‌ای دارد؛ حضرت بافت فکری جامعه را با گفتمان پذیرفته شده نزد آنان، که قرآن و کلام رسول خدا است، به پرسش می‌کشد. نمونه استشهادات و استنادات امام به قرآن و سخنان پیامبر اکرم که در ادامه مباحث ذکر می‌شود، نمود بارز بینامتنیت در سطح تفسیری است:

۲. ۱. استشهاد به آیات قرآن

حضرت علی (علیه السلام) فضیلت بی نظیر سبقت در ایمان به پروردگار و سبقت در اسلام را متذکر می‌شود و در بیان خویش در شورای خلافت عثمان به آیات قرآن استناد می‌کند:

أُنشِدُكُمْ بِاللَّهِ أَيُّهَا النَّفَرُ جَمِيعاً أَمْنَكُمْ أَحَدٌ وَحَدَّ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ قَبْلِي؟ ... أُنشِدُكُمْ بِاللَّهِ أَيُّهَا النَّفَرُ جَمِيعاً أَمْنَكُمْ أَحَدٌ هُوَ الْمَصْلَى الْقَبْلَتَيْنِ قَبْلِي؟ ... قَالَ: أُنشِدُكُمْ بِاللَّهِ أَمْنَكُمْ مَنْ نَزَلَ فِيهِ: «السَّابِقُونَ السَّابِقُونَ * أَوْلَئِكَ الْمُقْرَبُونَ» فَكُنْتُ سَابِقَ هَذِهِ الْأُمَّةِ تَدْرُونَ غَيْرِي؟ قَالُوا: اللَّهُمَّ لَا؛ أَيُّ مَرْدَمٍ! شِمَا رَا بِي خَدَا سَوَّكُنْدَا! أَيُّ يَكِي أَزْ شِمَاهَا قَبْلَ أَزْ مَنْ خَدَا رَا بِي وَحَدَانِيَّتْ مِي خَوَانْدَا؟ كَفْتَنْدَا: «بِي خَدَا نَه». أَيُّ مَرْدَمٍ! شِمَا رَا بِي خَدَا سَوَّكُنْدَا! أَيُّ كَسِي أَزْ شِمَا قَبْلَ أَزْ مَنْ بِي دُو قَبْلَه نَمَاز خَوَانْدَه اسْت؟ شِمَا رَا بِي خَدَا سَوَّكُنْدَا آيَاتِ «السَّابِقُونَ السَّابِقُونَ * أَوْلَئِكَ الْمُقْرَبُونَ» دَرِبَارَه غَيْرِ مَنْ نَازَلَ شُدَه اسْت؟ كَفْتَنْدَا: «نَه بِي خَدَا» (نک: ابن حجر عسقلانی، ۱۳۹۰: ۲۷۱/۷؛ بلاذری، ۱۴۱۷: ۴۵/۲).

همچنین، حضرت با استناد به آیه «مودت ذی القربی»، احقاق حق خویش را نمودی از اجرای حق مودت می‌داند؛ چه اینکه یکی از فضایل خاندان عصمت و طهارت که بر مبنای شایستگی‌ها و فضایل اکتسابی و موهبتی استوار است، لزوم مودت و مواصبت با ایشان است که پروردگار متعال آن را اجر و مزد رسالت دانسته (شوری: ۲۳) و محدثان اهل سنت نیز ضمن بیان این مطلب، مصادیق افراد لازم‌الموده را صراحتاً بیان کرده‌اند:

لَمَّا نَزَلَتْ قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى، قَالُوا يَا رَسُولَ اللَّهِ وَ مَنْ قَرَأْتِكَ هَؤُلَاءِ الَّذِينَ وَجَبَتْ عَلَيْنَا مَوَدَّتُهُمْ، قَالَ عَلِيٌّ وَ فَاطِمَةُ وَ ابْنَاهُمَا؛ زَمَانِي كِه آيَه «بِگُو مَنْ أَزْ شِمَا دَرِ بَرَابِرِ رِسَالَتِمِ مَزْدِي طَلَبِ نَمِي كَنِمِ بِي جِزِ مَوَدَّتِ نَسَبِتِ بِي أَقْرَبَاءِ» نَازَلَ شُد، كَفْتَنْدَا: «أَيْنِ خَوِيشَاوَنْدَانِي كِه مَوَدَّتِ أَنَا وَ أَجَبِ شُدَه اسْتِ چِه كَسَانِي هَسْتَنْدَا؟»، فَرَمُود: «عَلِيٌّ وَ فَاطِمَةُ وَ فَرِزَنْدَانِ أَنَا» (الطبرانی، ۱۴۰۴: ۴۷/۳؛ ابن حنبل، ۱۴۰۳: ۶۹۹/۲؛ سیوطی، ۱۹۹۳: ۴۹۴/۷).

حضرت علی (علیه السلام) با بیان دستور پروردگار بر مودت ایشان، دلیل محکم دیگری بر حقانیت خویش مطرح می‌کند و اعتراف حاضران را برمی‌انگیزاند: «أُنشِدُكُمْ بِاللَّهِ أَمْنَكُمْ أَحَدٌ أَمْرَ اللَّهِ بِمَوَدَّتِهِ غَيْرِي؟»؛ «شما را به خداوند سوگند! آیا کسی غیر از من در میان شما هست که خداوند عالم به مودت او در قرآن دستور داده باشد؟» (نک: ابن حجر

از دیگر نمونه‌هایی که حضرت علی علیه السلام در بیان آن به قرآن استناد کرده، مسئله «سدّ الأبواب» است که در آن پیامبر از جانب پروردگار مأمور به بستن درب منزل صحابه شد و فرمود: «وَاللَّهِ مَا سَدَدْتُ شَيْئًا وَلَا فَتَحْتُهُ، وَ لَكِنْ أَمَرْتُ بِشَيْءٍ فَاتَّبَعْتُهُ؛ به خداوند سوگند نه من در کسی را از پیش خودم دستور دادم که بسته شود نه در کسی را باز گذاشتم، بلکه خداوند به من دستور داد و دستور خدا را اطاعت کردم» (حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱: ۱۳۵/۳). در نتیجه اجرای این فرمان الهی، که فضیلت و منقبتی بر اهل بیت نبوی است، غیر از منزل نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله و حضرت علی علیه السلام هیچ دری به مسجد گشوده نمی‌شد. حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «أنشدكم بالله أمنكم أحد يظهر بابه غیری حين سدّ النبي (صلی الله علیه و آله) أبواب المهاجرین جميعاً و فتح بابی حتی قام إليه عمّاه حمزة والعبّاس فقالا: یا رسول الله، سددت أبوابنا و فتحت باب علی (علیه السلام) فقال (صلی الله علیه و آله): ما أنا فتحت بابه، ولا أنا سددت أبوابکم، بل الله فتح بابه و سدّ أبوابکم؟ قالوا: اللهم لا».

نسائی در سنن النسائی الکبریٰ خبر «سدّ الأبواب» را نقل می‌کند (النسائی، ۱۴۱۱: ۱۱۹/۵)، حاکم نیشابوری به اتقان خبر بر اساس شرایط مسلم و بخاری صحه می‌گذارد (حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱: ۱۳۵/۳) و ابن حجر عسقلانی بر وثاقت رجال خبر اعتراف می‌کند (ابن حجر عسقلانی، ۱۳۹۰: ۱۴/۷ و ۱۵).

نمونه دیگر در استشهاد به آیات قرآن، استناد به آیه نجوا است. از جمله دستورهای قرآنی به مسلمانان، پرداخت صدقه قبل از گفت‌وگوی سرّی با رسول اکرم صلی الله علیه و آله طبق آیه «یا ایها الذّین آمنوا إذا ناجیتم الرسول فقدموا بین یدئ نجاوکم صدقة» (مجادله: ۱۲) است. مفسران در بیان علت این دستور به اشتیاق صحابه بر نجوا با پیامبر و تکرار این گونه مراجعات، که توأم با مزاحمت برای حضرت بود، اشاره می‌کنند، از جمله، مفسران تفسیر نمونه می‌نویسند:

دستور به خاطر آن بود که گروهی از مردم مخصوصاً از اغنیا مرتباً مزاحم پیامبر صلی الله علیه و آله می‌شدند و با او نجوا می‌کردند، کاری که مایه اندوه دیگران، و یا کسب امتیاز بی‌دلیلی برای اینان بود، به علاوه موجب تزییع اوقات گران‌بهای پیامبر صلی الله علیه و آله می‌شد. حکم فوق نازل گشت و آزمونی بود برای آنها، و نیز کمکی

به مستمندان و وسیله مؤثری برای کم شدن این مزاحمت‌ها (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۱: ۴۴۸/۲۳).

جالب آنکه بعد از نزول آیه هیچ کس غیر از امام پرهیزکاران، به پرداخت صدقه و تداوم گفت‌وگو با رسول‌الله (صلی الله علیه و آله) اقدام نکرد (شوکانی، ۱۳۹۳: ۱۹۱/۵). حاکم نیشابوری این رخداد را چنین روایت می‌کند: «امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمود در قرآن آیه‌ای وجود دارد که غیر از من احدی به آن عمل نکرده است و آن آیه نجوا است تا جایی که می‌فرماید من یک دینار داشتم و آن را به ده درهم تبدیل کردم و ده بار با پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله) درگوشی حرف زدم» (حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱: ۵۲۴/۲). حضرت علی (علیه السلام) به این فضیلت خویش در تقدم دادن پیامبر بر مال خود تصریح می‌کند و برتری خویش بر صحابه‌ای را یادآور می‌شود که به سبب تقدم دادن مال، خود را از همصحبتی با پیامبر محروم کردند.

۲.۲. استشهدا به کلام پیامبر خدا

همچنین، امام علی (علیه السلام) کلام رسول خدا را در گفتار خویش ذکر می‌کند که حجت بر مدعیان تبعیت و اطاعت از پیامبر الاهی تمام شود. از جمله این استشهدا در حدیث طیر مشهود است. با این توضیح که از جمله فضایی که حضرت به آن استناد می‌کند، معرفی ایشان از سوی پیامبر به عنوان محبوب‌ترین خلق الاهی در حدیث «طیر مشوی» است؛ طبق نقل منابع فریقین، یک روز برای نبی مکرم اسلام (صلی الله علیه و آله) جوجه بریانی آوردند. حضرت از پروردگار درخواست کرد که محبوب‌ترین خلایقش را برساند تا مرغ را با او میل کند. حضرت علی (علیه السلام) بعد از سه بار ممانعت انس بن مالک به سبب اشتیاقش بر تحقق دعای حضرت بر اقوام خویش، بر نبی مکرم اسلام وارد می‌شود (همان: ۱۴۱/۳). ذهبی در تذکرة الحفاظ به طرق زیاد حدیث طیر اشاره می‌کند: «و اما حدیث الطیر فله طرق کثیرة جدا قد افردتها فی مصنف و مجموعها هو یوجب ان یکون الحدیث له أصل» (ذهبی، ۱۴۱۲: ۱۰۴/۲). حضرت علی (علیه السلام) در ادامه محاجه با شورای خلافت می‌فرماید:

أمنکم أحد قال له رسول الله (صلی الله علیه و آله) حین قرّب إلیه الطائر المشوی فأعجبه: «اللهم ائتنی بأحب خلقک إلیک يأکل معنی من هذا الطیر» غیری؟ قالوا: اللهم لا؟ غیر از من کسی هست زمانی که مرغ بریانی را نزد رسول‌الله آوردند و پیغمبر اکرم مشاهده کرد غذای خوش طعمی است و برای او جالب بود گفت: خدایا

محبوب‌ترین خلیقت را برسان تا این مرغ را با من بخورد (نک: ابن حجر عسقلانی، ۱۳۹۰: ۲۷۱/۷؛ بلاذری، ۱۴۱۷: ۴۵/۲).

محور دیگر استدلال حضرت شجاعت در مبارزات جبهه حق علیه کفر و شرک است، تا جایی که به تعبیر خلیفه دوم «اگر شمشیر علی نبود، پرچم اسلام برافراشته نمی‌شد» (ابن‌ابی‌الحدید، ۱۴۰۴: ۸۲/۱۲). حضرت به شجاعت خویش در جنگ‌ها و نیز به فتح خیبر و پرچمداری این نبرد سرنوشت‌ساز اشاره می‌کند و می‌فرماید:

أنشدکم بالله أمنکم من أعطاه النبی ﷺ الراية، ففتح الله علی یده خیبر غیري؟؛ شما را به خدا سوگند آیا غیر از من کسی در میان شما هست که در قضیه جنگ خیبر نبی مکرم اسلام پرچم را به دست او داده باشد و پیروزی به دست او برای مسلمانان رقم بخورد؟ (بلاذری، ۱۴۱۷: ۴۵/۲).

بیان حضرت ناظر به غزوه خیبر است که در آن، طبق نقل منابع اهل سنت، نبی مکرم اسلام ﷺ در روز فتح خیبر خلیفه اول را به جنگ فرستادند. بعد از شکست وی، حضرت خلیفه دوم را فرستادند و پس از شکست مجدد فرمودند: «لَأُعْطِينَ هَذِهِ الرَّأْيَةَ غَدًا رَجُلًا يَفْتَحُ اللَّهُ عَلَيَّ يَدِيهِ يَحِبُّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَحِبُّهُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ»؛ «فردا من پرچم را به دست کسی می‌دهم که این پیروزی به دست او محقق می‌شود و محب و محبوب خدا و رسول است»؛ و در نهایت، حضرت علی (علیه السلام) که به دعای نبوی از چشم‌درد نجات یافت به مبارزه مأمور شد و پیروزی غرورآفرین سپاه اسلام رقم خورد (بخاری الجعفی، ۱۴۰۷: ۱۵۴۲/۴ و ۱۰۷۷/۳).

۳. سطح تبیین

اوضاع و احوال اجتماعی و سیاسی جامعه اسلامی پس از رسول خدا و دگرگونی‌های سیاسی و اجتماعی موجب شد گفتمان حاکم بر کلام حضرت علی (علیه السلام)، اختناق سیاسی و تغییر روند حاکمیت مشروع را بازتاب دهد. کارکرد گفتمانی حضرت در سطح تبیین راجع به ایدئولوژی و باوری است که اساس تغییر در نگرش جامعه به مدیریت سیاسی و علمی جامعه را سامان می‌بخشد. حضرت در بستر جامعه‌ای که خود را به دست فراموشی سپرده، در پی تغییر روند موجود و اصلاح اوضاع و احوال است. محور اصلی گفتمان بر مسئله غضب خلافت رقم می‌خورد؛ امری که نظام حکومتی با نادیده‌گرفتن نصوص روشن و ویژگی‌هایی که اولویت انتخاب حضرت علی (علیه السلام) را بر هر اندیشمندی روشن می‌سازد با تکیه بر آن بر مسند قدرت نشسته است. امام علی (علیه السلام) ساختار گفتمان خود را

به سمتی سوق می‌دهد که حقانیت ایشان در چنین جامعه‌ای به صدایی رسا تبدیل شود و صدای اسلام ناب را در ادوار تاریخ پس از خود انعکاس دهد.

نتیجه

این مقاله در پی آن بود که انحراف در جریان قدرت سیاسی اجتماعی را در نوع انتخاب کلمات و ساختار متن به‌کاررفته در گفتمان امام علی (علیه السلام) با روش تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف در سه سطح توصیف، تفسیر و تبیین نشان دهد. تحلیل گفتمان انتقادی بر اساس رویکرد اجتماعی این امکان را فراهم می‌آورد تا با بررسی یک متن در سطوح مختلف به شکل جداگانه و در کنار یکدیگر، به دیدگاهی عمیق‌تر راجع به متن رسید. بر اساس تحلیل انجام‌شده، اسلوب کلام امام به گونه‌ای است که با انتخاب واژگانی مناسب، فضای اجتماعی دوران پس از رسول خدا را هوشمندانه ترسیم می‌کند و با ابزارهای زبانی همچون سوگند، تأکید، استفهام و ... رنگ مشروعیت از جریان حاکمیت می‌زداید. امام با استمرار حق‌خواهی، امت اسلام را در طول تاریخ، به استمرار حق‌طلبی سوق می‌دهد و پیوند خود با قرآن و رسول خدا را به عنوان ملاک و معیار مشروعیت معرفی می‌کند. محورهای مهم گفتمان امام علی (علیه السلام) عبارت است از: ۱. تأکید بر انحراف مسیر جامعه اسلامی از روند مد نظر رسول خدا در تعیین جانشین؛ ۲. استفاده از ظرفیت واژگان در مواجهه با استدلال حاکمیت و تشکیک و تردید در برخی واژگان مثل «ولی» که از آن به دوستی و نه سرپرستی تعبیر می‌کرد با واژگان دیگری چون «خلیفه»، «وارث»، «وصی»؛ ۳. بیان بی‌کفایتی سران حاکمیت با اشعار به برتری‌ها و فضایل اکتسابی و موهبتی؛ ۴. اتمام حجت و پایان‌بخشی به عذر و بهانه سران قدرت با بهره‌گیری از اصول گفتاری همچون الزام، تأکید، استفهام و استدلال؛ ۵. بهره‌گیری از اصول حاکم بر گفتمان در عرصه بینامتنیت و استشهاد و استناد به آیات قرآن و کلام رسول خدا.

پی‌نوشت

۱. «مناشده» به معنای سوگنددادن به خداوند است (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۲۴۳/۶، ذیل ماده «نشده»؛ دلیل این نام‌گذاری این است که حضرت علی (علیه السلام) در ابتدای سخن خویش، با لفظ «انشد الله؛ قسم می‌دهم به خدا» از حاضران خواست که به حدیث غدیر شهادت دهند.

منابع

- الأجْرِيُّ البغدادي، محمد بن الحسين (١٤٢٠). الشريعة، المحقق: عبد الله بن عمر بن سليمان الدميجي، الرياض: دار الوطن.
- ابن أبي الحديد، عبد الحميد بن هبة الله (١٤٠٤). شرح نهج البلاغة لابن أبي الحديد، تحقيق: إبراهيم محمد ابوالفضل، قم: مكتبة آية الله المرعشي النجفي.
- ابن الأثير الجزري، عز الدين (١٤١٧). أسد الغابة في معرفة الصحابة، تحقيق: عادل أحمد الرفاعي، بيروت: دار إحياء التراث العربي.
- ابن الملقن، عمر بن علي (١٤١١). التوضيح لشرح الجامع الصحيح، الرياض: دارُ العاصِمة.
- ابن حجر العسقلاني، أحمد بن علي (١٣٩٠). فتح الباري شرح صحيح البخاري، تحقيق: محب الدين الخطيب، بيروت: دار المعرفة.
- ابن حجر العسقلاني، أحمد بن علي (١٤١٥). إتحاف المهرة بالفوائد المتبكرة من أطراف العشرة، تحقيق: مركز خدمة السنة والسيره، بإشراف: زهير بن ناصر الناصر، المدينة: مجمع الملك فهد لطباعة المصحف الشريف (بالمدينة)، و مركز خدمة السنة والسيره النبوية.
- ابن حمدون، محمد بن الحسن (١٩٩٦). تذكرة الحمدونية، بيروت: دار صادر.
- ابن حنبل الشيباني، أحمد (١٤٠٣). فضائل الصحابة، تحقيق: د. وصى الله محمد عباس، بيروت: مؤسسة الرسالة.
- ابن حنبل الشيباني، أحمد (١٤٢١). مسند أحمد بن حنبل، تحقيق: شعيب ارنؤوط، بيروت: مؤسسة الرسالة.
- ابن قتيبة الدينوري، عبد الله بن مسلم (١٣٨٧). الامامة والسياسة، تحقيق: طه محمد الزيني، القاهرة: مؤسسة الحلبي و شركاه للنشر والتوزيع.
- ابن كثير القرشي، إسماعيل بن عمر (١٤١١). البداية والنهاية، بيروت: مكتبة المعارف.
- ابن مردويه الأصفهاني، أحمد بن موسى (١٤٢٤). مناقب علي بن أبي طالب و ما نزل من القرآن في علي، تحقيق: عبد الرزاق محمد حسين حرز الدين، قم: دار الحديث.
- الألباني، محمد ناصر الدين (١٤١٦). سلسلة الأحاديث الصحيحة و شيء من فقهها و فوائدها، رياض: مكتبة المعارف.
- اميني، عبد الحسين (١٣٧٩). الغدير في الكتاب والسنة والادب، ترجمه: محمدتقي واحدي، تهران: بنياد بعثت.
- البخاري الجعفي، محمد بن إسماعيل (١٤٠٧). الجامع الصحيح المختصر، تحقيق: د. مصطفى ديب البغا، بيروت: دار ابن كثير.
- البلاذري، أحمد بن يحيى (١٤١٧). أنساب الأشراف، تحقيق: سهيل زكار و رياض الزركلي، بيروت: دار الفكر.
- التفتازاني، مسعود بن عمر (١٤٠١). شرح المقاصد في علم الكلام، باكستان: دار المعارف النعمانية.

تحليل گفتمان انتقادی حضرت علی (علیه السلام) درباره امامت با تاکید بر منابع اهل سنت / ۷۳

التیمی البستی، محمد بن حبان (۱۳۹۵). *الثقات*، تحقیق: السيد شرف الدين أحمد، بيروت: دار الفكر.
الثعلبی، أحمد بن محمد (۲۰۰۲). *الكشف والبيان (تفسير الثعلبی)*، تحقیق: أبی محمد بن عاشور،
بيروت: دار إحياء التراث العربي.

جوهری بصری، احمد بن عبد العزيز (بی تا). *السقیفة و فداک*، تحقیق: محمد هادی امینی، تهران: مکتبه
نینوی الحدیثة.

الحاکم النیسابوری، محمد بن عبد الله (۱۴۱۱). *المستدرک علی الصحیحین*، تحقیق: مصطفی عبد القادر
عطا، بیروت: دار الکتب العلمیة.

خوارزمی، موفق بن احمد (۱۴۱۱). *المناقب*، قم: مؤسسة النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرسين بقم.
ذهبی، شمس الدين (۱۴۰۷). *تاریخ الإسلام و وفیات المشاهیر والأعلام*، تحقیق: د. عمر عبد السلام
تدمری، بیروت: دار الکتب العربیة.

الذهبی، شمس الدين محمد (۱۴۱۲). *تذکرة الحفاظ*، بیروت: دار الکتب العلمیة.

الرازی، فخر الدين محمد بن عمر (۱۴۲۱). *التفسیر الکبیر أو مفاتیح الغیب*، بیروت: دار الکتب العلمیة.
السخاوی، محمد بن عبد الرحمن (۱۴۰۳). *فتح المغیث شرح ألفیة الحدیث*، بیروت: دار الکتب العلمیة.
سلطانی، سید علی اصغر (۱۳۸۴). *قدرت، گفتمان و زبان: ساز و کارهای جریان قدرت در جمهوری
اسلامی، تهران: نی.*

السیوطی، جلال الدين عبد الرحمن بن أبی بکر (۱۳۷۱). *تاریخ الخلفاء*، تحقیق: محمد محیی الدين عبد
الحمید، مصر: مطبعة السعادة.

السیوطی، جلال الدين عبد الرحمن بن أبی بکر (۱۹۹۳). *الدر المنثور*، بیروت: دار الفكر.

شریف الرضی، محمد بن حسین (۱۴۱۴). *نهج البلاغه*، تحقیق: صالح صبحی، قم: هجرت.
شعرانی، ابوالحسن (۱۳۸۶). *پژوهش های قرآنی علامه شعرانی در تفاسیر مجمع البیان، روح الجنان و
منهج الصادقین*، تحقیق: محمدرضا غیائی کرمانی، قم: بوستان کتاب.

الشوکانی، محمد بن علی (۱۳۹۳). *فتح القادیر الجامع بین فنی الروایة والدرایة من علم التفسیر*،
بيروت: دار الفكر.

الطبرانی، سلیمان بن أحمد (۱۴۰۴). *المعجم الکبیر*، تحقیق: حمدی بن عبد المجید السلفی، الموصل:
مکتبة الزهراء.

الطبری، محمد بن جریر (۱۴۱۳). *دلائل الامامة*، تحقیق: قسم الدراسات الإسلامية، قم: مرکز الطباعة
والنشر فی مؤسسة البعثة.

الطحاوی، أحمد بن محمد (۱۴۰۸). *شرح مشکل الآثار*، تحقیق: شعيب الأرناؤوط، بیروت: مؤسسة الرسالة.

فراهیدی، خلیل بن أحمد (۱۴۰۹). *کتاب العین*، قم: هجرت.

کاشانی، فتح‌الله بن شکرالله (۱۳۳۶). *منهج الصادقين فی إلزام المخالفين*، تهران: کتاب‌فروشی اسلامیه.
مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳). *الجمال والنصرة لسيد العترة فی حرب البصرة*، تحقیق: علی میرشریفی،
قم: کنگره شیخ مفید.

مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۶). *پیام قرآن*، تهران: دار الکتب الإسلامیه.
مکارم شیرازی، ناصر؛ و دیگران (۱۳۷۱). *تفسیر نمونه*، تهران: دار الکتب الإسلامیه.
النسائی، أحمد بن شعیب (۱۴۱۱). *السنن الکبری*، تحقیق: د. عبد الغفار سلیمان البنداری، بیروت: دار
الکتب العلمیه.

الواسطی (ابن المغازلی)، علی بن محمد (۱۴۲۴). *مناقب أمير المؤمنين علی بن أبي طالب رضی الله عنه*،
المحقق: أبو عبد الرحمن ترکی بن عبد الله الوادعی، صنعاء: دار الآثار.
هاشمی خویی، میرزا حبیب‌الله (۱۴۰۰). *منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغة*، ترجمه: حسن حسن‌زاده
آملی و محمدباقر کمره‌ای، تهران: مکتبه الإسلامیه.

الهیثمی، علی بن أبی بکر (۱۴۰۷). *مجمع الزوائد و منبع الفوائد*، القاهرة و بیروت: دار الریان للتراث، دار
الکتاب العربی.

الهیثمی، علی بن أبی بکر (۱۴۱۲). *مجمع الزوائد و منبع الفوائد*، بیروت: دار الریان للتراث، دار الفکر.

Baker, Paul; Ellece, Sibonile (2011). *Key Terms in Discourse Analysis*, London: Continuum.

Fairclough, Norman (2010). *Critical Discourse Analysis: The Critical Study of Language*,
London: Longman.

References

- Al-Ajorri al-Baghdadi, Mohammad ibn al-Husayn. 1999. *Al-Shariah (The Sharia)*, Researched by Abdollah ibn Omar ibn Soleyman al-Damiji, Riyadh: Dar al-Watan. [in Arabic]
- Al-Albani, Mohammad Naser al-Din. 1995. *Selselah al-Ahadith al-Sahihah wa Shay men Feghheha wa Fawaedeha (The Authentic Hadith Series and Some of Its Understanding and Benefits)*, Riyadh: The Teachings Library. [in Arabic]
- Al-Balazori, Ahmad ibn Yahya. 1996. *Ansab al-Ashraf*, Researched by Soheyl Zakkar & Riyaz al-Zarkeli, Beirut: Institute of Thought. [in Arabic]
- Al-Bokhari al-Jo'fi, Mohammad ibn Esma'il. 1987. *Al-Jame' al-Sahih al-Mokhtasar*, Researched by D. Mostafa Dib al-Bagha, Beirut: Ibn Kathir Institute. [in Arabic]
- Al-Hakem al-Neysaburi, Mohammad ibn Abdollah. 1990. *Al-Mostadrak ala al-Sahihayn*, Researched by Mostafa Abd al-Ghader Ata, Beirut: Scientific Books Institute. [in Arabic]
- Al-Heythami, Ali ibn Abi Bakr. 1987. *Majma' al-Zawaed wa Manba' al-Fawaed (Collection of Appendages and Source of Benefits)*, Cairo & Beirut: Al-Rayyan Institute for Heritage, Arabic Book Institute. [in Arabic]
- Al-Heythami, Ali ibn Abi Bakr. 1992. *Majma' al-Zawaed wa Manba' al-Fawaed (Collection of Appendages and Source of Benefits)*, Beirut: Al-Rayyan Institute for Heritage, Institute of Thought. [in Arabic]
- Al-Nasayi, Ahmad ibn Shoayb. 1990. *Al-Sonan al-Kobra (The Great Traditions)*, Researched by D. Abd al-Ghaffar Soleyman al-Bandari, Beirut: Scientific Books Institute. [in Arabic]
- Al-Razi, Fakhr al-Din Mohammad ibn Omar. 2000. *Al-Tafsir al-Kabir aw Mafatih al-Ghayb (The Great Interpretation or the Keys of the Unseen)*, Beirut: Scientific Book Institute. [in Arabic]
- Al-Sakhawi, Mohammad ibn Abd al-Rahman. 1983. *Fath al-Moghith Sharh Alfiyah al-Hadith*, Beirut: Scientific Book Institute. [in Arabic]
- Al-Shokani, Mohammad ibn Ali. 2015. *Fath al-Ghadir al-Jame' bayn Fannay al-Rewayah wa al-Derayah men Elm al-Tafsir (Comprehensive Opening between the Two Arts of Narrating and Understanding of Exegesis Science)*, Beirut: Institute of Thought. [in Arabic]
- Al-Siyuti, Jalal al-Din Abd al-Rahman ibn Abi Bakr. 1993. *Al-Dorr al-Manthur (The Narrative Pearl)*, Beirut: Institute of Thought. [in Arabic]

- Al-Siyuti, Jalal al-Din Abd al-Rahman ibn Abi Bakr. 1993. *Tarikh al-Kholafa (History of Caliphs)*, Researched by Mohammad Mohyi al-Din Abd al-Hamid, Egypt: Happiness Press.
- Al-Tabarani, Soleyman ibn Ahmad. 1984. *Al-Mojam al-Kabir (The Great Dictionary)*, Researched Hamdi ibn Abd al-Majid al-Salafi, Mosul: Al-Zahra Library. [in Arabic]
- Al-Tabari, Mohammad ibn Jarir. 1992. *Dalael al-Emamah (Evidence of the Imamate)*, Researched by Department of Islamic Studies, Qom: Printing and Publishing Center at Al-Be'thah Foundation. [in Arabic]
- Al-Taftazani, Masud ibn Omar. 1981. *Sharh al-Maghased fi Elm al-Kalam*, Pakestan: Nomani Teachings Institute. [in Arabic]
- Al-Tahawi, Ahmad ibn Mohammad. 1988. *Sharh Moshkel al-Athar (Explanation of Difficult Works)*, Researched by Shoayb al-Arnaut, Beirut: Al-Resalah Institute. [in Arabic]
- Al-Tamim al-Basti, Mohammad ibn Habban. 1975. *Al-Theghat (The Trustworthy)*, Researched by Al-Seyyed Sharaf al-Din Ahmad, Beirut: Institute of Thought. [in Arabic]
- Al-Thalabi, Ahmad ibn Mohammad. 2002. *Al-Kashf wa al-Bayan (Tafsir Thalabi)*, Researched by Abi Mohammad ibn Ashur, Beirut: Foundation for the Revival of Arabic Heritage. [in Arabic]
- Al-Waseti (Ibn al-Maghazeli), Ali ibn Mohammad. 2003. *Managheb Amir al-Momenin Ali ibn Abi Taleb Raziya Allah anh (The Virtues of the Commander of the Faithful, Ali ibn Abi Talib, May God Be Pleased with Him)*, Researched by Abo Abd al-Rahman Torki ibn Abdollah al-Wade'i, Sanaa: Literatures Institute. [in Arabic]
- Al-Zahabi, Shams al-Din Mohammad. 1991. *Note of Memorizers*, Beirut: Scientific Book Institute. [in Arabic]
- Amini, Abd al-Hoseyn. 2001. *Al-Ghadir fi al-Ketab wa al-Sannah wa al-Adab (Al-Ghadir in the Book, Tradition and Literature)*, Translated by Mohammad Taghi Wahedi, Tehran: Bethat Foundation. [in Farsi]
- Baker, Paul; Ellece, Sibonile. 2011. *Key Terms in Discourse Analysis*, London: Continuum.
- Fairclough, Norman. 2010. *Critical Discourse Analysis: The Critical Study of Language*, London: Longman.

- Farahidi, Khalil ibn Ahmad. 1989. *Ketan al-Ayn (The Book of Eye)*, Qom: Hejrat. [in Arabic]
- Hashemi Khoyi, Mirza Habibollah. 1980. *Menhaj al-Bara'ah fi Sharh Nahj al-Balaghah (Ingenious Method in Explanation of Nahj al-Balaghah)*, Translated by Hasan Hasanzadeh & Mohammad Bagher Kamarehyi, Tehran: Islamic Library. [in Arabic]
- Ibn Abi al-Hadid, Abd al-Hamid ibn Hebatollah. 1984. *Sharh Nahj al-Balaghah le Ibn Abi al-Hadid (Explanation of Nahj al-Balaghah by Abi Al-Hadid)*, Researched by Ebrahim Mohammad Abolfazl, Qom: Ayatollah Mar'ashi Najafi Library. [in Arabic]
- Ibn al-Athir al-Jazari, Ezz al-Din. 1996. *Osd al-Ghabah fi Ma'refah al-Sahabah (Forest Lion in Recognition of the Companions of the Prophet)*, Researched by Adel Ahmad al-Refa'i, Beirut: Foundation for the Revival of Arabic Heritage. [in Arabic]
- Ibn al-Molaghghen, Omar ibn Ali. 1990. *Al-Tawzih le Sharh al-Jame' al-Sahih*, Riyadh: Dar al-Asemah. In Arabic]
- Ibn Ghotaybah al-Dinewari, Abdollah ibn Moslem. 1967. *Al-Emamah wa al-Siyasah (Imamate and Politics)*, Researched by Taha Mohammad al-Zeyni, Cairo: Al-Halabi and Partners Institute for Publishing and Distribution.
- Ibn Hajar al-Asghalani, Ahmad ibn Ali. 1994. *Ethaf al-Mohrah be al-Fawaed al-Mobtakerah men Atraf al-Asharah*, Researched by Tradition and Biography Center, Supervised by Zohayr ibn Naser al-Naser, Medina: King Fahd Assembly for the Printing of the Holy Qur'an (in Medina) & the Prophet's Tradition and Biography Center. [in Arabic]
- Ibn Hajar al-Asghalani, Ahmad ibn Ali. 2012. *Fath al-Bari Sharh Sahih al-Bokhari*, Researched by Moheb al-Din al-Khatib, Beirut: Dar al-Ma'refah. [in Arabic]
- Ibn Hamdun, Mohammad ibn al-Hasan. 1996. *Tazkerah al-Hamduniyah*, Beirut: Dar Sadr. [in Arabic]
- Ibn Hanbal al-Sheybani, Ahmad. 1983. *Fazael al-Sahabah (Virtues of the Companions)*, Researched by D. Wasiyollah Mohammad Abbas, Beirut: Al-Resalah Institute. [in Arabic]
- Ibn Hanbal al-Sheybani, Ahmad. 2000. *Mosnad Ahmad ibn Hanbal*, Researched by Shoayb Arnaut, Beirut: Al-Resalah Institute. [in Arabic]
- Ibn Kathir al-Ghorashi, Esmā'il ibn Omar. 1990. *Al-Bedayah wa al-Nehayah (The Beginning and the End)*, Beirut: The Teachings Library. [in Arabic]

- Ibn Mardawayh al-Esfahani, Ahmad ibn Musa. 2003. *Managheb Ali ibn Abi Taleb (AS) wa Ma Nozela men al-Qoran fi Ali (AS) (The Virtues of Ali ibn Abi Talib (AS) and What Was Revealed from the Quran about Him)*, Researched by Abd al-Razzagh Mohammad Hoseyn Herz al-Din, Qom: Dar al-Hadith. [in Arabic]
- Johari Basri, Ahmad ibn Abd al-Aziz. n.d. *Al-Saghifeh wa Fadak*, Researched by Mohammad Hadi Amini, Tehran: Neynava Modern Library. [in Arabic]
- Kashani, Fathollah ibn Shokrollah. 1336. *Manhaj al-Sadeghayn fi Elzam al-Mokhalefin (The Method of the Honest in Convincing the Opponents)*, Tehran: Islamic Bookstore. [in Arabic]
- Kharazmi, Mowaffagh ibn Ahmad. 1990. *Al-Managheb (The Virtues)*, Qom: Islamic Publications Office Affiliated with Qom Seminary Teachers Association. [in Arabic]
- Makarem Shirazi, Naser et al. 1993. *Tafsir Nemuneh (Model Interpretation)*, Tehran: Islamic Books Institute. [in Farsi]
- Makarem Shirazi, Naser. 2008. *Payam Quran (The Message of the Quran)*, Tehran: Islamic Books Institute. [in Farsi]
- Mofid, Mohammad ibn Mohammad. 1992. *Al-Jamal wa al-Nosrah le Seyyed al-Etrah fi Harb al-Basrah (The Jamal and the Victory for the Master of the Household in the Basra War)*, Researched by Ali Mir Sharifi, Qom: Sheykh Mofid Congress. [in Arabic]
- Sharani, Abu al-Hasan. 2008. *Pajuhesh-hay Qorani Allameh Sha'rani dar Tafasir Majma al-Bayan, Ruh al-Janan wa Manhaj al-Sadeghayn (Quranic Researches of Allameh Sha'rani on the Commentaries of Majma al-Bayan, Ruh al-Jannan and Manhaj al-Sadeghayn)*, Researched by Mohammad Reza Ghiyathi Kermani, Qom: Bustan Ketab. [in Farsi]
- Sharif Al-Razi, Mohammad ibn Hoseyn. 1993. *Nahj al-Balaghah*, Researched by Saleh Sobhi, Qom: Hejrat. [in Arabic]
- Soltani, Seyyed Ali Asghar. 1964. *Ghudrat, Gofteman wa Zaban: Saz wa Karhay Jaryan Ghodrat dar Jomhuri Eslami (Power, discourse and language: mechanisms of the flow of power in the Islamic Republic)*, Tehran: Ney. [in Farsi]
- Zahabi, Shams al-Din. 1987. *Tarikh al-Eslam wa Wafayat al-Mashhir wa al-Alam (History of Islam and the Deaths of Figures and Personages)*, Researched by D. Omar Abd al-Salam Tadmori, Beirut: Arabic Book Institute. [in Arabic]